



نسبت تاریخ نگاری و دانش حدیث در سده های نخستین اسلامی

یکسان انگاشتن سیره نگاری و تاریخ نگاری یکی از موارد مورد مناقشه میان پژوهشگران تاریخ نگاری مسلمانان است. گروهی از پژوهشگران سیره نویسی را کنشی مستقل از تاریخ نویسی تفسیر می کنند.

یکسان انگاشتن سیره نگاری و تاریخ نگاری یکی از موارد مورد مناقشه میان پژوهشگران تاریخ نگاری مسلمانان است. گروهی از پژوهشگران سیره نویسی را کنشی مستقل از تاریخ نویسی تفسیر می کنند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از طومار اندیشه، یکسان انگاشتن سیره نگاری و تاریخ نگاری یکی از موارد مورد مناقشه میان پژوهشگران تاریخ نگاری مسلمانان است. گروهی از پژوهشگران با این استدلال که انگیزه سیره نگاران کاملاً دینی بوده و هدف غایی آنان تدوین منبعی برای شناخت سیره پیامبر اسلام و عمل به سنن وی محسوب می شده سیره نویسی را کنشی مستقل از تاریخ نویسی تفسیر می کنند.

گرچه سیره نگاران در شمار محدثان جهان اسلام بوده اند و محرک اصلی آنان نه ثبت کامل تاریخ زندگی پیامبر بلکه شناسایی سیره ایشان در جهت تدوین استراتژی حکومت اسلامی بوده است اما تردیدی نیست که آنچه بر جای نهاده اند گزارش هایی تاریخی از برهه های مهم و حساس زندگی پیامبر را شامل می شود. سیره نگاران نخستین در حجاز و به ویژه مدینه ظهور کردند زیرا حجاز ظرف زمان و مکان رخدادهای سیره پیامبر بود و غالب صحابه و تابعین که به مثابه منابع اصلی سیره نگاری بودند در مدینه سکونت داشتند.

سیره از حدیث زاده شد و به عنوان مکملی برای نظام حقوقی دولت اسلامی مورد استفاده قرار گرفت زیرا از طریق حدیث، دستیابی به سنن پیامبر که در حکم قوانین حقوقی جامعه اسلامی بود ممکن می شد و از راه سیره نیز شناسایی مثنی پیامبر در مواجهه با کفار عیان می گشت. اگر با قدری تسامح بتوان سیره نگاری محدثان مدینه را به مکتب تاریخ نگاری حجاز تعبیر نمود و آن را به نخستین مکتب تاریخ نگاری مسلمانان ارتقا داد آیا می توان ارتباط معناداری میان این مکتب و مکاتب پس از آن یافت و مدعی شد که دانش حدیث بر روش ها و شیوه های تاریخ نگاری مسلمانان اثرگذار بوده است؟

از دید بسیاری از صاحب نظران، مکتب تاریخ نگاری عراق که پدیدآورندگان آن اخباریان وابسته به قبایل عربی این منطقه هستند دارای اصالت متقن در زمینه تاریخ نگاری است. به این معنا که گرچه هدف نویسندگان کتاب های تک نگاری تاریخی کاملاً سیاسی و اقتصادی و در جهت تشریح سهم قبایل خود در فتوحات اسلامی و به تبع آن بهره بردن از غنائم سرزمین های تسخیر شده بوده است اما موضوع کتاب های آنان چیزی جز شرح حوادث سیاسی بین النهرین در عصر خلفای راشدین و اموی نیست. حال طرح این سؤال مهم است که با توجه به تقدم زمانی مکتب حجاز بر عراق که به یک معنا تقدم دانش حدیث بر تاریخ نگاری است می توان قرائنی یافت که شیوه و روش های علم الحدیث بر شکل و محتوای تاریخ نگاری مسلمانان نفوذ کرده اند؟

برای پاسخ به این سؤال باید تأثیرات روشی، شیوه ای و محتوایی در تاریخ نگاری را ابتدا تعریف و سپس از هم تفکیک نمود. روش تاریخ نگاری به نوع نقل اخبار و گزارش های درون کتاب، شیوه تاریخ نگاری بر شکل و صورت بندی کتاب و محتوای تاریخ نگاری نیز بر موضوع اصلی کتاب دلالت دارند. بر این اساس از حیث موضوع تاریخ نگاری، مکتب حجاز و عراق به یک تقسیم کار نانوشته روی آوردند و نخستین مکتب بر سیره نگاری پیامبر اسلام و مکتب دوم بر مسائل سیاسی و قبیله ای عراق متمرکز شد. بر این اساس، چون اشتراک موضوعی میان مکتب حجاز و عراق وجود نداشت از حیث شیوه تاریخ نگاری نیز ابواب و فصول آثار محدثان مدینه و اخباریان کوفه و بصره به هیچ روی شباهتی نداشت.

تنها تأثیری که دانش حدیث بر تاریخ نگاری مسلمانان برجای گذاشت در مقوله روش تاریخ نگاری بود. با توجه به اینکه دانش حدیث از اواخر سده نخست هجری تدوین شد افرادی که از قول پیامبر حدیث نقل می کردند ایشان را ندیده بودند و به صحابه و تابعین استناد می کردند. اهمیت یافتن مقام حدیث نبوی پس از آیات قرآن به عنوان مبنایی برای تدوین حقوق اسلامی سبب شد تا احادیث موضوعه و منسوب به پیامبر با اهداف و انگیزه های سیاسی و اقتصادی رواج یابد.

از همین جا بود که نقل سند حدیث که ناظر بر انتقال حدیث از پیامبر به شنوندگان آن بود جایگاه بسیار مهمی در دانش حدیث به دست آورد به گونه ای که احادیثی که اسناد آن مشخص نبود کم تر مورد اعتنا و استناد قرار می گرفت. تأکید

فراوان بر ثبت اسناد حدیث سبب شد تا گروهی از اخباریان عراق نیز در تک نگاری های خویش تا آن جا که مقدور است اسناد گزارش های تاریخی خویش را ذکر کنند.

شاهد این امر منسجم تر شدن اسناد آثار مورخان مکتب عراق در اواخر سده دوم است که تحت تأثیر نفوذ و گسترش تدوین مجموعه های حدیثی و اقتدار محدثان و به تبع آنان سیره نگاران در جهان اسلام بوده است.

اگر بپذیریم که ظهور تواریخ عمومی ریشه در جریان تاریخ نگاری عراق دارد و اساسا این گونه از کتاب ها با تجمیع تک نگاری های اخباریان عراق سامان یافته است تأثیر گذاری دانش حدیث بر تاریخ نگاری مسلمانان را تا سده چهارم نیز می توان پی گرفت. نمونه بارز این ادعا کتاب سترگ تاریخ الرسل و الملوک طبری از مشهورترین کتب تاریخ عمومی جهان اسلام است که همه گزارش های تاریخی آن مانند احادیث کتب حدیثی دارای سلسله سند روایت تا راوی اصلی است.